

*

چکیده

توزیع درآمد دست کم به دو دلیل از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است: نخست بعد مهمی از عدالت را تشکیل می‌دهد. دوم روی متغیرهای اقتصادی، اجتماعی و غیره تأثیر (و در بسیاری موارد تأثیر مهم) می‌گذارد. توزیع درآمد ابعاد بسیار گوناگون دارد که در این مقاله دو بعد مهم آن یعنی توزیع شخصی و توزیع منطقه‌ای مورد توجه قرار دارد. توزیع درآمد با استفاده از برخی شاخصهای مربوط از جمله دهکها، ضریب جینی و نسبت درآمد خانوارهای شهری به روستایی برای سالهای مختلف محاسبه و روند تغییرات آن با گذشت زمان مشخص شده است. این مطالعه با استفاده از داده‌های ثانویه صورت گرفته است. برای تعیین روند تغییرات نیز از روش آماری رگرسیون استفاده

۱. این مطالعه با حمایت مالی حوزه معاونت پژوهشی دانشگاه ارومیه انجام شده است.

* دانشیار اقتصاد کشاورزی دانشکده کشاورزی دانشگاه ارومیه. E-mail: m_arsalanbod@hotmail.com

شده و محاسبات با استفاده از نرم افزار SPSS انجام پذیرفته است. یافته‌های این تحقیق افت و خیرهایی را در شدت نابرابری توزیع درآمد نشان می‌دهد. ضریب جینی توزیع درآمد در ایران در دهه ۱۳۴۰ نزدیک به ۰/۴۵ بوده و در سالهای اولیه دوره ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۷ افزایش یافته و در بعضی سالها به حدود ۰/۵۰ رسیده است. ضریب جینی از سال ۱۳۵۸ تا اواسط دهه ۱۳۷۰ با فراز و فرودهایی، روندی نزولی و در سالهای اخیر روندی صعودی داشته است. مطالعه حاضر نشان می‌دهد که ضریب جینی توزیع درآمد کل ایران و مناطق شهری و روستایی در سال ۱۳۷۵ نسبت به سال ۱۳۶۵ کاهش یافته در حالی که ضرایب جینی توزیع درآمد ایران بین خانوارها و نیز در مناطق شهری و روستایی در سال ۱۳۷۸ نسبت به سال ۱۳۶۵ به ترتیب ۲/۳۰، ۸/۹۸ و ۳/۳۶ درصد افزایش یافته است.

کلید واژه‌ها:

توزیع درآمد، مناطق روستایی، مناطق شهری، دهکها، ضریب جینی، نسبت درآمد شهری به روستایی.

مقدمه

یکی از هدفهای مهم در هر جامعه، برقراری عدالت اقتصادی است که بعد مهمی از آن راعدالت در زمینه توزیع درآمد تشکیل می‌دهد. همان‌طور که گفته شد، توزیع درآمد روی متغیرهای اقتصادی، اجتماعی و غیره نیز تأثیر می‌گذارد. به عنوان مثال، توزیع درآمد بر تقاضای کالاهای مختلف و در نتیجه بر کل فرایند تولید در جامعه تأثیر می‌گذارد. همچنین رشد اقتصادی (هدف مهم دیگر هر جامعه) را از جهات گوناگون تحت تأثیر قرار می‌دهد. اگرچه مسئله توزیع درآمد ابعاد زیاد و گوناگونی دارد اما آنچه مستقیماً مربوط به عدالت و رفاه اقتصادی می‌شود، توزیع درآمد بین افراد و خانوارها یا توزیع شخصی^۱ است که در بسیاری از کشورها و در دورانه‌های طولانی یکی از مهمترین مسائل سیاست عمومی بوده است.

1. personal distribution

...

این موضوع بدیهی است که هدفهای جامعه متنوع بوده و محدود به عدالت در زمینه توزیع درآمد به هر صورتی که تعریف شود نیست. از جمله این هدفها می توان به کارایی، رشد و آزادی اقتصادی و سیاسی اشاره کرد. در ضمن نکته مهمی که باید به آن توجه داشت این است که هدفهای پیشگفته، در هر زمینه لزوماً رقیب هم نیستند و در موارد زیادی و در دامنه نسبتاً وسیعی می توانند مکمل یکدیگر باشند. برای مثال سرمایه گذاری در آموزش، همزمان می تواند به رشد اقتصادی کمک کند و باعث کاهش شدت نابرابری توزیع درآمد شود. همین موضوع در مورد کاهش پیامدهای منفی ناشی از انحصار، که می تواند همزمان وضعیت کارایی و توزیع را اصلاح کند، صادق است. ولی حتی در مواردی که این هدفها در رقابت با یکدیگر قرار دارند موضوع انتخاب یک هدف و نادیده گرفتن هدف دیگر در میان نیست بلکه باید مطالعه شود که هزینه نزدیک شدن به یک هدف بر حسب دور شدن از هدف دیگر چه مقدار است. همچنین باید به این حقیقت توجه داشت که کارایی و عدالت به هم نیاز دارند. عدالت نیاز به منطقی براساس کارایی دارد و کارایی نیز نیاز به محتوایی بشردوستانه براساس عدالت دارد.

توزیع منطقه‌ای^۱ درآمد نیز از حیث عدالت و کارایی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. هر یک از مناطق روستایی و شهری ایران بخش مهمی از جمعیت ایران را در بر دارد. به همین جهت چگونگی توزیع درآمد بین این مناطق و تغییرات آن تا حدود زیادی وضعیت توزیع درآمد را مشخص می کند ضمن اینکه پیامدهای مهمی از نظر عدالت و کارایی دارد. یکی از پیامدهای این توزیع، تأثیر بر توزیع جغرافیایی جمعیت در نتیجه رشد بی رویه بعضی از شهرهاست که این مورد به نوبه خود مسائل گوناگونی همچون تأثیر بر محیط زیست و کیفیت زندگی، استفاده بهینه نکردن از امکانات طبیعی و انسانی و کاهش کارایی کلی اقتصاد کشور را در پی دارد.

طی چند دهه گذشته در مورد رشد اقتصادی و توزیع درآمد نظریات گوناگونی مطرح شده و سیاستهای مختلفی نیز براساس این نظریات اتخاذ شده است. در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰، افراد بسیاری

1. regional distribution

از جمله هیرشمن بر این باور بودند که رشد اقتصادی، توزیع مساویتر درآمد رابه‌دنبال خواهد داشت (Hirschman, 1958). به همین دلیل نیز بر روی اجرای سیاستهای رشد اقتصادی تأکید می‌گردید اگرچه در همان سالها افرادی نظیر باران (Baran, 1957)، پربیش (Prebisch, 1959) و میردال (Myrdal, 1968) در رابطه با این موضوع نظریات متفاوتی داشتند.

نتایج مطالعات و تحقیقات در اواخر دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰ نشان داد که رشد اقتصادی لزوماً توزیع مساویتر درآمد را به دنبال نخواهد داشت (Adelman & Morris, 1973) و در موارد متعددی واقعیات نشاندهنده این پدیده اسفبار بود که رشد اقتصادی باعث کاهش مطلق درآمد بعضی از اقشار نیز شده است (همان منبع و Griffin, 1974). این توزیع نامساوی درآمد به نوبه خود یکی از عواملی به شمار می‌آید که مانع رشد بیشتر گردیده (Adelman, 1978) و همچنین عوارض اجتماعی، سیاسی و اقتصادی به همراه داشته است. از این رو بود که از اوایل ۱۹۷۰ توزیع درآمد به عنوان یکی از هدفهای اصلی برنامه‌های اقتصادی در محافل علمی و سیاستگذاری جایگاه مهمی به دست آورد اما متأسفانه در عمل مورد توجه کافی قرار نگرفت و به جای آن مسئله فقر تا حدودی مطرح شد.

در چند دهه گذشته شاهد پیشرفت نسبتاً زیادی در زمینه‌های آگاهی از واقعیات و اطلاعات در مورد توزیع درآمد و رابطه آن با رشد، تکوین نظریه‌های توزیع (که گزینه‌های مختلف تغییرات توزیع درآمد را پیش‌بینی می‌کردند) و الگوهای گوناگون سیاستگذاری و گزینه‌های آن برای سازمان دادن به برنامه‌ها و راهبردهایی که رشد همراه با توزیع مساویتر درآمد را به بار می‌آورند بوده‌ایم (Adelman & Robinson, 1989). در همین حال پیشرفتهای چشمگیر سه دهه اخیر در زمینه علوم رایانه‌ای، امکانات محاسباتی را بسیار افزایش داده است. این پیشرفتها اکنون ما را قادر می‌سازد که کاملتر و دقیقتر از گذشته به برنامه‌ریزی درباره جنبه‌های مختلف توزیع درآمد بپردازیم.

توزیع درآمد بین سالهای ۱۹۶۰ و ۱۹۸۰ در گروه کشورهای غیر کمونیست در حال توسعه به میزان زیادی، نابرابرتر شده اما تمرکز درآمد در گروههای مختلف این کشورها روندی متفاوت داشته است. تمرکز درآمدها در کشورهای کم‌درآمد و صادرکننده نفت بسیار افزایش یافته و برعکس

...

در کشورهای میان‌درآمد غیرصادرکننده نفت به مقدار زیادی کاهش پیدا کرده‌است (Adelman, 1985). در دهه ۱۹۸۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰ در بعضی از کشورهای پردرآمد جهان مثل ایالات متحد آمریکا شدت نابرابری توزیع درآمد افزایش یافته ضمن اینکه رشد اقتصادی آنها نسبتاً پایین بوده است. این در حالی است که در بعضی از کشورهای پردرآمد دیگر مثل ژاپن، که از رشد اقتصادی نسبتاً بالاتری برخوردار بوده‌اند، شدت نابرابری توزیع درآمد کمتر بوده است (Gottschalk & Smeeding, 1997).

اطلاعات مربوط به ۳ دهه اخیر در مورد توزیع درآمد در ایران نشان می‌دهد که تمرکز درآمد کشور طی این ۳ دهه نسبت به بسیاری از کشورهای جهان شدت بیشتری داشته است. در این دوره، که از سال ۱۳۴۷ شروع می‌شود، تا اواسط دهه ۱۳۵۰ بر شدت نابرابری توزیع درآمد افزوده گردیده سپس به مدت ۳ تا ۴ سال از شدت آن کاسته شده و دوباره رو به افزایش نهاده است به نحوی که وضعیت توزیع درآمد در اواسط دهه ۱۳۶۰ تقریباً مشابه وضعیت توزیع درآمد در اواسط ۱۳۴۰ بوده است. یکی از ابعاد مهم اختلاف درآمد به تفاوت زیاد بین درآمدهای شهری و روستایی (ابوالفتحی قمی، ۱۳۶۲؛ ارسلان بُد، ۱۳۶۷؛ ذاکر هنجی و مهران، ۱۳۵۶) و بُعد مهم دیگر آن به تفاوت نسبتاً فراوان سطح درآمد میان استانهای مختلف کشور مربوط می‌شود. توزیع درآمد در مناطق شهری نابرابرتر از مناطق روستایی بوده و در استانهای مختلف نیز اختلافات زیادی داشته است (همان منابع و ارسلان بُد، ۱۳۶۵).

ضریب جینی توزیع درآمد در ایران که در سال ۱۳۴۷ برابر ۰/۴۵۵ بوده است (ذاکر هنجی و مهران، ۱۳۵۶)، در سال ۱۳۵۷ به رقم ۰/۵۹۱ افزایش پیدا کرده (ابوالفتحی قمی، ۱۳۶۲) و در سال ۱۳۶۲ به رقم ۰/۴۴۱ کاهش یافته و سپس دوباره شروع به افزایش کرده است (ذاکر هنجی و مهران، ۱۳۵۶). نسبت مصرف سرانه در مناطق شهری به روستایی به قیمت جاری سال ۱۳۳۸ (۲/۱۳) در سال ۱۳۵۶ به رقم ۵/۱۰ افزایش یافته است (سهرابی و سلمانی آقاجانزاده، ۱۳۶۰). در سال ۱۳۵۰ میانگین هزینه‌های ماهانه خانوارها در بین استانهای مختلف کشور از رقم ۳۸۴۵ ریال تا ۱۰۲۰۴ ریال متغیر بوده است (Pesaran). در سال ۱۳۵۱ ضریب جینی هزینه مواد خوراکی و غیر خوراکی خانوارهای روستایی

در بین استانهای مختلف از رقم ۰/۲۸۸ تا ۰/۴۱۱ (ارسلان بُد، ۱۳۶۵) و برای مناطق شهری از ۰/۳۱۱ تا ۰/۴۵۳ نوسان داشته است (ارسلان بُد، ۱۳۶۷). ضریب جینی توزیع درآمد در استانهای کشور در سال ۱۳۵۶ از رقم ۰/۴۴۰ تا ۰/۶۰۰ متغیر بوده و در سالهای ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۱ به ترتیب ۰/۳۴۷، ۰/۳۳۶، ۰/۳۴۳ و ۰/۵۰۲ بوده است (ابوالفتحی قمی، ۱۳۶۲). از نیمه دوم دهه ۱۳۵۰ از شدت نابرابری توزیع درآمد در ایران تا حدی کاسته شده است. طبق آمار بانک مرکزی، ضریب جینی مخارج خانوارها در مناطق شهری در سال ۱۳۶۳ از رقم ۰/۵۰۲ به رقم ۰/۴۰۴۳ کاهش یافته و از سال ۱۳۶۳ تا ۱۳۷۵ تقریباً مقداری ثابت داشته و دامنه تغییرات آن بین ۰/۳۹۱۰ و ۰/۴۰۴۳ بوده است (بانک مرکزی ایران). نتایج آمارگیری از هزینه و درآمد خانوارهای روستایی و شهری سالهای مختلف تا ۱۳۷۵ نشان می‌دهد که از سال ۱۳۶۲ تا ۱۳۷۴ میانگین مخارج خانوارهای شهری پیوسته در حال کاهش از رقم ۱۲۷۴۷۰۰۰ به رقم ۸۸۸۰۰۰۰ ریال به قیمت ثابت بوده است که نشان‌دهنده کاهش رفاه و افزایش فقر در این سالهاست.

هدف این تحقیق توصیف وضعیت تغییرات توزیع درآمد ایران در سالهای ۱۳۴۵-۱۳۷۸ است. این توزیع، ابعاد بسیار گوناگونی دارد که در تحقیق حاضر دو بعد مهم آن یعنی توزیع شخصی و منطقه‌ای مورد بحث قرار می‌گیرد.

روشها

اطلاعات نیم قرن اخیر در باره توزیع درآمد ایران حاصل آمارگیری از هزینه و درآمد خانوارهاست. این کار برای اولین بار در سال ۱۳۱۴ توسط بانک ملی ایران و سپس در سال ۱۳۳۸ در ۲۳ شهر کشور با پرسش از خانوارهای نمونه صورت گرفته است. از سال ۱۳۴۴ بانک مرکزی ایران و از سال ۱۳۴۷ مرکز آمار ایران، به مقیاسی وسیعتر، آمارگیری از هزینه و درآمد خانوارها در نقاط شهری را انجام داده و نتایج آن را به طور سالانه منتشر کرده‌اند. آمارگیری از هزینه و درآمد خانوار روستایی نخستین بار در سال ۱۳۴۲ توسط اداره کل آمار عمومی و از سال

...

۱۳۴۴ توسط مرکز آمار ایران انجام شد و نتایج آن نیز به طور سالانه منتشر گردید (مرکز آمار ایران، ۱۳۷۸).

داده‌های مورد استفاده در این مطالعه از نوع ثانویه^۱ بوده که از آمارهای ۳۵ ساله مرکز آمار ایران در مورد خانوارهای روستایی و شهری به دست آمده است. برای سالهای اولیه نیم قرن اخیر نیز براساس شواهد موجود، نتیجه‌گیری‌هایی در باره توزیع درآمد صورت گرفته است. شاخصهای به کار رفته در این مطالعه عبارت است از: چندکها^۲، بویژه دهکها^۳، ضریب جینی^۴ و نسبت درآمد خانوارهای شهری به درآمد خانوارهای روستایی. برای تعیین روند تغییرات از روش آماری رگرسیون حداقل مربعات معمولی^۵ استفاده شد. محاسبات نیز با استفاده از نرم افزار SPSS صورت گرفت.

چندکها نشان می‌دهد چه درصدی از خانوارها از چه درصدی از درآمد برخوردار بوده‌اند. ضریب جینی یکی از مهمترین شاخصهای اندازه‌گیری شدت نابرابری توزیع درآمد است که از منحنی لورنز^۶ به دست می‌آید (Samuelson & Nordhaus, 2001). منحنی لورنز رابطه بین درصد تجمعی خانوارها و درصد تجمعی درآمد را نشان می‌دهد. خانوارها به ترتیب درآمد، از کمترین تا بیشترین مرتب می‌شوند. این منحنی در نمودار ۱ نشان داده شده است.

ضریب جینی (G) نسبت سطح بین منحنی لورنز و خط توزیع با نصف مساحت مربع مربوطه برابر است. اگر توزیع، کاملاً مساوی باشد، منحنی لورنز منطبق بر قطر مربع خواهد بود. در این حالت ضریب جینی برابر صفر است. هر چه شدت نابرابری بیشتر باشد منحنی لورنز از خط توزیع برابر دورتر می‌شود و در نهایت بر ضلعهای مربع منطبق می‌گردد. در این حالت ضریب جینی برابر یک می‌شود یا به عبارتی بین صفر و یک قرار می‌گیرد. اما باید توجه داشت که ضریب جینی وضعیت

-
1. secondary data
 2. quantiles
 3. deciles
 4. Gini coefficient
 5. ordinary least squares.
 6. Lorenz curve

توزیع درآمد را به طور کامل نشان نمی‌دهد؛ زیرا همان‌گونه که نمودار انمیان می‌سازد، این امکان وجود دارد که دو توزیع متفاوت دارای ضریب جینی یکسان باشند (Todaro, 1997).

نمودار ۱. منحنیهای لورنز دو توزیع متفاوت با ضرایب جینی یکسان

در صورتی که X_i درصد تجمعی افراد یا خانوارها در گروه i و y_i درصد تجمعی درآمد افراد یا خانوارها در گروه i و n تعداد گروهها باشد طبق تعریف، ضریب جینی به صورت زیر به دست می‌آید:

$$G = \frac{0.5 - \sum_{i=1}^n (x_i - x_{i-1}) \left(\frac{y_i + y_{i-1}}{2} \right)}{0.5} = 1 - \sum_{i=1}^n (x_i - x_{i-1}) (y_i + y_{i-1})$$

یا در صورتی که تابع منحنی لورنز $f(x)$ باشد ضریب جینی به صورت زیر به دست می‌آید:

$$G = \frac{0.5 - \int_0^1 f(x) dx}{0.5} = 1 - 2 \int_0^1 f(x) dx$$

نتایج و بحث

در مورد توزیع درآمد در نیمه اول قرن گذشته تنها مختصر اطلاعاتی در باره توزیع بخشی درآمد در اقتصاد ایران وجود داشت. در اوایل قرن گذشته بین ۸۰ تا ۹۰ درصد تولید

...

ناخالص ملی ایران از بخش کشاورزی به دست می‌آید که تا نیمه قرن گذشته سهم آن به حدود ۵۰ درصد کاهش یافت (Bahrier, 1971). در دهه اول نیم قرن اخیر نیز در باره توزیع درآمد در ایران اطلاعات کمی وجود دارد اما شواهد موجود حاکی از آن است که شدت نابرابری توزیع درآمد در آن سالها نسبتاً زیاد بوده است. سهم زیاد بخش کشاورزی در تولید ناخالص ملی و روابط سهمی گسترده در تولید کشاورزی شواهدی بر این ادعاست. براساس نتایج آمارگیری کشاورزی، در سال ۱۳۳۹ حدود ۵۵ درصد زمینهای کشاورزی ایران به صورت سهمی و حدود ۲۵ درصد دیگر آن نیز به صورت تلفیقی از سهمی و سایر روشها بهره‌برداری می‌شده است (فرهنگ، ۱۳۵۴) و سهم مالکان زمین از محصول زیاد بوده و در مواردی حتی به بیش از چهارپنجم محصول می‌رسیده است. ضریب جینی توزیع مصرف در مناطق شهری در سال ۱۳۳۸ برابر ۰/۴۵۵۲ محاسبه شده است (Looney, 1977).

شاخصهای نابرابری توزیع درآمد در مناطق شهری ایران براساس آمارگیری بانک مرکزی از هزینه و درآمد خانوارها در مناطق شهری برای سالهای ۱۳۴۸ تا ۷۳ محاسبه شده که نتایج آن در جدول ۱ ارائه گردیده است (آهویم، ۱۳۷۵). شاخصهای جدول ۱ افزایش شدت نابرابری توزیع درآمد را تا سال ۵۷ و سپس کاهش آن را تا سال ۷۳ نشان می‌دهد.

جدول ۱. شاخصهای نابرابری توزیع درآمد در مناطق شهری در سالهای ۱۳۴۸ تا ۱۳۷۳

دوره	متوسط ضریب جینی	سهم ۴۰ درصد خانوارهای کم درآمد	سهم ۴۰ درصد خانوارهای میان درآمد	سهم ۲۰ درصد خانوارهای پر درآمد	نسبت سهم ۱۰ درصد پردرآمدترین به ۱۰ درصد کم درآمدترین خانوارها
۵۲-۱۳۴۸	۰/۴۵۷۱	۱۳/۰۱	۳۴/۸۱	۵۲/۱۸	۲۲/۹
۵۷-۱۳۵۳	۰/۴۷۵۲	۱۱/۸۶	۳۴/۳۵	۵۳/۷۹	۲۷/۸
۶۷-۱۳۵۸	۰/۴۱۷۰	۱۴/۷۴	۳۷/۸۷	۴۷/۳۹	۱۹/۸
۷۳-۱۳۶۸	۰/۳۹۸۳	۱۵/۶۰	۳۷/۹۲	۴۶/۴۸	۱۶/۲

مأخذ: منبع شماره ۱

ضریب جینی توزیع درآمد براساس آمارگیری مرکز آمار ایران از هزینه و درآمد خانوارهای روستایی و شهری در سالهای ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵ برای کل کشور و به تفکیک مناطق شهری و روستایی محاسبه شده که نتایج آن در جدول ۲ آمده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۷۷).

جدول ۲

...

جدول ۲ نشان می‌دهد که شدت نابرابری توزیع درآمد در کل کشور، در مناطق شهری و روستایی در سالهای ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵ تا حدی کاهش یافته است. ضرایب جینی سال ۱۳۷۵ نسبت به سال ۱۳۶۵ به ترتیب ۵/۷۶، ۳/۶۳ و ۵/۱۰ درصد کاهش پیدا کرده است.

دهکهای توزیع درآمد بین خانوارها براساس آمارگیری مرکز آمار ایران از هزینه و درآمد خانوارها در سالهای ۱۳۶۵ و ۱۳۷۸ در جدول ۳ نشان داده شده است. این جدول نشان می‌دهد که شدت نابرابری توزیع درآمد بین خانوارها در کل کشور، در مناطق شهری و در مناطق روستایی در سال ۱۳۷۸ در مقایسه با سال ۱۳۶۵ تا حدی افزایش یافته است. ضرایب جینی مربوط به ترتیب ۲/۳۰، ۸/۹۸ و ۳/۳۶ درصد افزایش یافته است. سهم دهکهای اول، دوم و دهم در کل کشور افزایش و سهم سایر دهکها کاهش پیدا کرده است. وضعیت در مناطق روستایی نیز به همین ترتیب بوده اما در مناطق شهری فقط سهم دهک اول و دهم افزایش یافته است.

با استفاده از روش رگرسیون و نرم افزار SPSS ، روند تغییرات نسبت درآمد خانوارهای

شهری به روستایی برای فاصله سالهای ۱۳۵۳ تا ۱۳۷۹ محاسبه و در نمودار ۲ نشان داده شده است.

نمودار ۲. روند تغییرات نسبت درآمد خانوارهای شهری به روستایی در سالهای مختلف

داده‌های مورد استفاده در این محاسبات از نتایج آمارگیری مرکز آمار ایران از هزینه و درآمد خانوارهای شهری و روستایی برای سالهای مختلف استخراج شده که جدیدترین آنها مربوط به سال ۱۳۷۹ است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۰ الف و ب). نتایج محاسبات، معادلات زیر را به دست داده است:

$$Y = 4/25980.9 - 0.35397T \quad (R^2 = 0.54608)$$

$$Y = 14/130127 - 0.337312T + 0.02278T^2 \quad (R^2 = 0.67436)$$

ضرایب تبیین نشان می‌دهد که روند تغییرات را تابع درجه دوم بهتر بیان می‌کند. این تابع دارای یک نقطه می‌نیم است. همان‌گونه که نمودار ۲ نشان می‌دهد تا سالهای اولیه دهه ۱۳۷۰ تغییرات نسبت درآمد خانوارهای شهری به روستایی روندی نزولی داشته و در سالهای اخیر روندی صعودی پیدا کرده است.

جدول ۴ ضریب جینی توزیع درآمد خانوارها و تغییرات آنها را در سالهای ۱۳۶۵ و ۱۳۷۸ به تفکیک مناطق روستایی و شهری و به تفکیک استانهای کشور نشان می‌دهد. ضریب جینی در کل کشور در این سالها در مناطق روستایی بزرگتر از مناطق شهری بوده و نشان داده که شدت نابرابری توزیع درآمد خانوارها در مناطق روستایی بیشتر از مناطق شهری بوده است. در سال ۷۸ نسبت به سال ۶۵ ضریب جینی در مناطق روستایی ۳/۱۵ درصد و در مناطق شهری ۸/۹۶ درصد افزایش پیدا کرده است. این ارقام نشان می‌دهد که شدت نابرابری توزیع درآمد خانوارها هم در مناطق روستایی و هم در مناطق شهری تا حدی افزایش یافته و این افزایش در مناطق شهری بیشتر بوده است. در فاصله سالهای ۶۵ تا ۷۸ در بین مناطق روستایی ۲۴ استان کشور ضریب جینی توزیع درآمد خانوارها در ۱۶ استان افزایش و در ۸ استان کاهش یافته است. در مورد مناطق شهری ۲۴ استان کشور نیز وضعیت به همین ترتیب بوده است.

اطلاعات ارائه شده در این مقاله درباره توزیع درآمد ایران نشان می‌دهد که این توزیع همانند اکثر کشورهای دیگر جهان سوم، شدت نابرابری بیشتری نسبت به کشورهای پردرآمد صنعتی داشته است. در حالی که در کشورهای جهان سوم در مواردی استثنایی ضریب جینی از عدد ۰/۳۵ کمتر و معمولاً از عدد ۰/۳۵ بیشتر و در مواردی حتی از عدد ۰/۵ هم بیشتر است در صورتی که در کشورهای پردرآمد صنعتی این رقم کمتر از ۰/۴ و در موارد زیادی حتی کمتر از ۰/۳ است (Atkinson & Bourguignon, 2000; Samuelson & Nordhaus, 2001).

...

جدول ۳

جدول ٤

...

جدول ٤

نتیجه مطالعات گوشه و کنار جهان و ایران نشان می‌دهد که در کشورهای کم‌درآمد سازوکار خودکاری که باعث شود اقشار کم‌درآمد جامعه از منافع رشد اقتصادی بیشتر بهره‌مند شوند وجود ندارد. یکی از نتایج رشد اقتصادی در بسیاری از موارد، بدتر شدن موقعیت نسبی اقشار کم‌درآمد بوده است. در بسیاری از موارد نیز حتی وضعیت مطلق اقشار کم‌درآمد در نتیجه رشد اقتصادی بدتر شده است. به عبارت دیگر یکی از نتایج برنامه‌های رشد اقتصادی در پنجاه سال اخیر در موارد زیادی افزایش شدت نابرابری توزیع درآمد و نیز افزایش فقر بوده است (منابع ۶، ۸، ۱۴، ۱۶، ۲۲ و ۲۷). در همین حال نتایج مطالعات پیشگفته نشان می‌دهد که عوامل چندی سبب تأثیر مهم بر توزیع درآمد می‌شوند که در این قسمت به شرح مختصری درباره آنها می‌پردازیم.

توزیع مالکیت سرمایه و منابع طبیعی: تأثیر زیاد و مستقیم توزیع مالکیت سرمایه و منابع طبیعی روی توزیع درآمد، کارایی و رشد اقتصادی از بدیهیات به شمار می‌آید (Putterman & et al., 1998). اما این موضوع بویژه در شرایطی اهمیت پیدا می‌کند که رشد جمعیت زیاد و موجودی سرمایه به طور نسبی بسیار اندک باشد. تراکم سرمایه در دست گروهی محدود همراه با رشد زیاد جمعیت باعث می‌شود که توزیع درآمد بسیار نابرابر شود و جمعیت فقیر به سرعت افزایش یابد (Adelman & Robinson, 1978). علت موفقیت بعضی از کشورها در توزیع برابر درآمد تا حد زیادی ناشی از سیاست مناسب آنها در زمینه مالکیت سرمایه و منابع طبیعی بویژه زمینهای کشاورزی بوده است (منابع ۱۴، ۱۶ و ۱۸).

توزیع سرمایه انسانی: سلامت جسم و میزان تحصیلات افراد و چگونگی توزیع این دونقشی تعیین‌کننده و مهم در توزیع درآمد دارد. نتیجه مطالعات و تحقیقات انجام گرفته در کشورهای مختلف جهان و ایران نیز این موضوع را مورد تأیید قرار می‌دهد (Lydall, 1968; Bharier, 1971). توزیع برابر سرمایه‌های فیزیکی و انسانی به طرق مختلفی می‌تواند شدت نابرابری را کاهش و کارایی و رشد را افزایش دهد (Putterman & et al., 1998).

سیاستهای مالی: چگونگی نظام و ساختار مالیاتها و هزینه‌های دولتی می‌تواند از جنبه‌های مختلف اثر بالقوه محسوسی روی توزیع درآمد داشته باشد (همان منبع). اما در این مورد باید به دو نکته

...

مهم توجه داشت؛ اولاً در اکثر موارد این سیاستها تأثیر ناچیزی روی تغییر وضعیت توزیع درآمد دارد و در موارد زیادی هم باعث شده است توزیع درآمد نابرابرتر شود که مطالعه موردی ایران برای سال ۱۳۵۱ این موضوع را بخوبی نشان می‌دهد (ذاکر هنجی و مهران، ۱۳۵۶). ثانیاً اجرای این سیاستها مقدار معتناهی از منابع محدود جامعه را به خود اختصاص می‌دهد که این امر باعث کاهش کارایی در سطح کلان می‌شود.

تورم: تورم نه تنها باعث افزایش شدت نابرابری توزیع درآمد می‌شود بلکه باعث کاهش کارایی نیز می‌گردد. تورم یکی از علل نابرابرتر شدن توزیع درآمد در ایران در دوره‌های مختلف بوده (همان منبع) و در سالهای اخیر نیز در این باره نقش تعیین کننده‌ای داشته است. اگرچه انواع سیاستهای کنترل قیمت تا حدی اثر تورم را خنثی کرده است ولی باید توجه داشت که این سیاستها همچنین باعث بلعیدن مقداری از امکانات محدود جامعه و در نتیجه کاهش کارایی در سطح کلان شده است. در این باره باید گفت که کسر بودجه دولت در سالهای گذشته و استقراض از نظام بانکی، نقش مهمی در به وجود آمدن تورم سالهای اخیر داشته است.

فرار سرمایه: تاکنون تحقیقات و مطالعات چندانی در زمینه اثر فرار سرمایه روی شدت نابرابری توزیع درآمد صورت نگرفته است. اما با توجه به پایین بودن نسبی سرمایه در کشورهای کم‌درآمد از جمله ایران و بویژه در شرایط رشد بالای جمعیت، این تأثیر می‌تواند بسیار زیاد باشد. در پایان این قسمت باید گفت که سیاستهای پولی، تکنولوژیکی، قیمتگذاری، صادرات و واردات، سیاستهای بخشی و منطقه‌ای و غیره نیز همگی می‌توانند از طرق گوناگون روی توزیع درآمد تأثیر داشته باشند. روند جهانی شدن اقتصاد، ویژگیهای بازار کار، تغییرات تکنولوژیکی و تأثیر آن روی شکاف دستمزد بین نیروی انسانی ماهر و غیرماهر، شکاف جنسی دستمزدها، شکاف دستمزد بین نیروی انسانی مدیریتی و نیروی انسانی غیرمدیریتی، هزینه‌های ناشی از نوع رژیم اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و ترجیحات برای برابری نیز می‌توانند تأثیرات عمده‌ای روی وضعیت توزیع درآمد و کارایی و رشد داشته باشند (Putterman & et al., 1998).

اکنون با توجه به مطالب پیشگفته، به ذکر بعضی از سیاستهایی می‌پردازیم که باعث خواهند شد شدت نابرابری توزیع درآمد کمتر شود و مسئله فقر سریعتر برطرف گردد. در اینجاسعی شده است سیاستهایی مورد تأکید قرار گیرد که همزمان باعث رشد شود، تا حد ممکن یکی فدای دیگری نگردد، مبادله بین اهداف رشد بالاتر، توزیع برابر درآمد و فقر کمتر را الزامی نکند. این سیاستها را به چند گروه زیر می‌توان تقسیم کرد:

۱. سیاستهایی که جهتگیری آنها توزیع مساویتر داراییهای مولد است. در این مورد باید به انجام اصلاحات مالکیت ارضی و اصلاحات مالکیت صنعتی اساسی اشاره کرد. در این زمینه موضوع مهم دیگر، سرمایه‌گذاری کافی در امر آموزش است. پیرامون هر دو مورد پیشگفته باید به این نکته اساسی توجه داشت که پیش شرط موفقیت برنامه‌های توسعه کشاورزی و صنعتی در زمینه رشد و توزیع درآمد، انجام امور مذکور است. در همین حال باید توجه کرد که شرط موفقیت در تداوم رشد بیشتر و توزیع مساویتر درآمد آن است که اصلاحات در زمینه مالکیت ارضی و مالکیت صنعتی و همچنین سرمایه‌گذاری گسترده کافی و مناسب در آموزش باید پایدار باشد.

۲. سیاستهایی که هدف آنها افزایش بهره‌وری داراییهای متعلق به افراد کم‌درآمد است. در این مورد به سه نکته مهم باید اشاره کرد: الف) بالا بردن کیفیت داراییهایی که متعلق به افراد کم‌درآمد است. ب) افزایش امکان دسترسی افراد کم‌درآمد به داراییهای مکمل که بهره‌وری آنها به هم ارتباط دارد. ج) ایجاد تغییرات تکنولوژیکی که هدف آن افزایش بهره‌وری است مانند نوآوری‌هایی که سبب صرفه‌جویی در زمین کشاورزی می‌شود و نوآوری‌هایی که بهره‌وری کلی عوامل تولید را در فعالیتهای کاربر افزایش می‌دهد. البته باید توجه داشت که میزان تأثیر این سیاستها روی توزیع درآمد بستگی به کشش تقاضای کالاهایی دارد که افراد کم‌درآمد تولید می‌کنند.

۳. سیاستهایی که مربوط به تنظیم قیمتهاست و می‌تواند به عنوان وسیله‌ای برای افزایش کارایی و کاهش شدت نابرابری توزیع درآمد مورد استفاده قرار گیرد. از طریق بالا بردن قیمتهایی که افراد کم‌درآمد دریافت می‌کنند و پایین آوردن قیمتهایی که این‌گونه افراد می‌پردازند می‌توان شدت نابرابری توزیع درآمد را کمتر کرد. تنظیم قیمتها همچنین می‌تواند هم در بازار کالا و خدمات و هم

...

در بازار عوامل تولید اعمال شود. واقعیت این است که بازارهای پیشگفته در اکثر موارد عرصه رقابتی کامل نیستند و باعث کاهش کارایی به زیان افراد کم درآمد می شوند و در بعضی موارد نیز ممکن است حتی به صورت بازارهای انحصاری باشند. در این شرایط تنظیم قیمت‌ها می تواند وسیله مؤثری برای افزایش کارایی و به طور همزمان، توزیع مساویتر درآمد باشد.

۴. به وجود آوردن نهادهای مناسب و یا اصلاح نهادهای موجود نیز می تواند به عنوان نوعی سیاست، همزمان باعث افزایش رشد و توزیع بهتر درآمدها شود. در این مورد باید به عنوان مثال به کیفیت بازارهای مربوط به کار و اعتبار و زمین در کشاورزی و همچنین عوارض نامطلوبی که پدیده « مرتبط نمودن » در مورد کار، اعتبار و زمین روی توزیع درآمد دارد اشاره کرد. مثال دیگر در این باره مسئله قدرت بازار و عوارض نامطلوب آن از حیث کارایی و توزیع درآمد است که با تشکیل و توسعه تعاونیها برطرف می شود.

۵. جلوگیری از فرار سرمایه و انتخاب راهبردهای مناسب توسعه نیز جزو مهمترین سیاستهای تأمین همزمان رشد اقتصادی و توزیع برابر درآمد و کاهش فقر است. بدون توزیع مناسب داراییهای مولد، ایجاد نهادهای مناسب، جلوگیری از فرار سرمایه و انتخاب راهبردهای مناسب توسعه، تأثیر دیگر سیاستها (همان گونه که نتایج مطالعات و تحقیقات انجام شده با استفاده از الگوهای تعادل عمومی قابل محاسبه در مورد تعدادی از کشورها نشان می دهد) بر تغییر وضعیت توزیع درآمد و کاهش فقر ناچیز خواهد بود (Adelman & Robinson, 1989).

در پایان باید متذکر شد که بعد بسیار مهم و تقریباً فراموش شده توزیع درآمد در کشورهای جهان سوم از جمله ایران، بعد خارجی آن است. این مسئله و خروج سرمایه از کشور، در شرایط کمبود نسبی سرمایه، نه تنها به طور مستقیم بلکه به طور غیرمستقیم، بویژه از طریق تأثیر مهمی که روی بیکاری و تورم دارد، می تواند عامل عمده تأثیرگذار روی شدت نابرابری توزیع درآمد باشد. استفاده ناکارآمد از سرمایه در داخل کشور نیز ممکن است عامل مهمی در شدت بخشیدن به مسائل پیشگفته به شمار آید. تأثیر این عوامل بر توزیع درآمد نیاز به تحقیق بیشتری دارد.

منابع

۱. آهوییم، ه. (۱۳۷۵)، شاخصهای توزیع درآمد در ایران و جهان، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ص ۹.
 ۲. ابوالفتحی قمی، ا. (۱۳۶۲)، شاخصهای نابرابری توزیع درآمد در ایران.
 ۳. ارسلان بد، م. توزیع درآمد و مصرف در مناطق شهری ایران در سالهای ۱۳۵۱-۶۵، مقاله منتشر نشده.
 ۴. ارسلان بد، م. (۱۳۶۵)، توزیع درآمد در روستاهای ایران در سال ۱۳۵۱، مجله کشاورزی، شماره یازدهم، بهمن ماه.
 ۵. بانک مرکزی ایران، نتایج آمارگیری مصرف خانوارهای شهری، سالهای مختلف تا ۱۳۷۵.
 ۶. ذاکر هنجی، ح. و ف. مهران (۱۳۵۶)، توسعه اقتصادی و نابرابری درآمد در ایران.
 ۷. سازمان برنامه و بودجه (۱۳۶۸)، مجموعه مقالات ارائه شده در اولین سمینار فقر و فقرزدایی، (۱۳۶۸-۱۷ آبان) و در گردهمایی بررسی مسئله فقر و فقرزدایی، تهران.
 ۸. سهرابی، ح. و م. سلمانی آقاجانزاده (۱۳۶۰)، الگوی توزیع درآمد در مناطق شهری و روستایی ایران، دفتر برنامه‌ریزی اجتماعی و نیروی انسانی، وزارت برنامه و بودجه، مهر.
 ۹. فرهنگ، م. (۱۳۵۴)، زندگی اقتصادی ایران، نشر مؤلف، ص ۴۴.
 ۱۰. مرکز آمار ایران (۱۳۷۷)، اندازه شاخصهای فقر و نابرابری توزیع درآمد در ایران طی سالهای ۱۳۶۵-۷۵، ص ۱۱۳-۱۱۵.
 ۱۱. مرکز آمار ایران (۱۳۷۸)، سالنامه آماری کشور سال ۱۳۷۷، ص ۷۶۵.
 ۱۲. مرکز آمار ایران (۱۳۸۰ الف)، نتایج تفصیلی آمارگیری از هزینه و درآمد خانوارهای شهری سال ۱۳۷۹.
 ۱۳. مرکز آمار ایران (۱۳۸۰ ب)، نتایج تفصیلی آمارگیری از هزینه و درآمد خانوارهای روستایی سال ۱۳۷۹.
14. Adelman, I. and C.T. Morris (1973), Economic growth and social equity in developing countries, Stanford University Press, Stanford.

...

15. Adelman, I. (1978), *Redistribution before growth-a strategy for developing countries*, The Hague: Martinus Ni Hof.
16. Adelman, I. and S. Robinson (1989), *Income distribution and development*, handbook of development economics, Vol. 2, Chenery. H. and Srinivasan, T.N. (Editors), Amsterdam, North Holland.
17. Adelman, I. (1985), *The world distribution of income*, *Weltwirtschaftliches Archiv*, Vol. 121, pp 110-120.
18. Adelman, I. and S. Robinson (1978), *Income distribution policy in developing countries: A case study of Korea*, Stanford University Press, Stanford.
19. Atkinson, A. and F. Bourguignon, (Editors) (2000), *Handbook of income distribution*, North-Holland, p. 279.
20. Baran, P. (1957), *The political economy of growth*, Monthly Review Press, New York.
21. Bharier, J. (1971), *Economic development in Iran*, Oxford University Press, pp. 136-139.
22. Gottschalk, P. and T.M. Smeeding, (1997), *Cross-National comparisons of earnings and income inequality*, *Journal of Economic Literature*, Vol,XXXV, Number 2, June.
23. Griffin, K. (1974), *The political economy of Agrarian Change*, Harvard University Press, Cambridge.
24. Hirschman, A.O. (1958), *The strategy of economic development*, New Haven, Conn, Yale University Press.

25. Looney, R. (1977), A development strategy for Iran through the 1980's, Praeger Publishers, pp. 46-51.
 26. Lydall, H. (1968), The structure of earnings, Oxford University Press, London.
 27. Meade, J.E. (1965), Efficiency, equality and the ownership of property, Harvard University Press, Cambridge.
 28. Myrdal, G. (1968), Asian dilemma, Pantteon Press, New York.
 29. Prebisch, R. (1959), Commercial, policy in the underdeveloped countries, *American Economic Review*, Vol. 49. pp. 251-273.
 30. Pesaran, M.H., Income distribution and major determinants in Iran: Past, present and future, Jacqz, J.W. (Editor). (1976), Aspen Institute for Humanistic Studies, New York.
 31. Putterman, L., J.E., Roemer and J. Silvestr (1998), Does egalitarianism have a future? *Journal of Economic Literature*, Vol. XXXVI, Number 2, June.
 32. Samuelson, P. and W. Nordhaus (2001), Microeconomics. Mc Graw-Hill, pp. 386-389.
 33. Stiglitz, J. (2000), Economics of the public sector, W.W. Norton and Company, pp. 120-122.
 34. Todaro, M. (1997), Economic development addison-wesley, p. 145.
-